

استیصال ایدئولوژیک در مبارزه ایدئولوژیک!

سوسال امپریالیسم؟ پاسخ ما به این سؤال منفی است. هر که چنین بیندیشد نتوانسته است کنه حقیقت موجود را دریابد. زیرا که رزمندگان در حقیقت به تز سوسال امپریالیسم و مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی در این زمینه حمله میکنند و نه به پیکار. و ما این را در خلال این نوشته قدم به قدم دنبال خواهیم کرد.

اکنون باید دید برخورد رزمندگان نسبت به مسئله سوسال امپریالیسم شوروی نشانه چیست؟ بنظر ما اگرخواهیم در توضیح این مسئله تحلیل خود را محدود به نشریه شماره ۳۳ رزمندگان بنماییم، هرگز نخواهیم توانست به درک عمیقی از مسئله برسیم. از آنرو با اندکی به عقب برگشتن و از گذشته دورتری این مسئله را مورد بررسی قرار داد:

گسترش مبارزه طبقاتی در درون جامعه ما طی سالهای ۵۶ و ۵۷ که منجر به قیام بهمن ماه ۵۷ گردید، وادامه اعلائی انقلابی در دوره پس از قیام، دوره جدیدی از مبارزه طبقاتی را با صف بندی جدیدی از نیروهای طبقاتی بوجود آورد. اگر در دوران رژیم مزدورانه و دیکتاتوری خشن موجود رکود و عدم تحرک طبقات در جنبش، طی دوران طولانی ای باعث آن گشته بود که صف طبقات مختلف خلقی جامعه بصورت فشرده در کنار هم بشود این صفوف از یکدیگر متمایز نگردد، اما گسترش مبارزه طبقاتی و تحولات سیاسی ناشی از آن و سبب سرنگونی رژیم شاهنشاهی، نمیتوانست صف این طبقات را بطور روشن از یکدیگر جدا ننماید. این صف بندی جدید طبقاتی، انعکاس خود را نیز در نیروهای جنبش کمونیستی با قسی میگذاشت و بنا بر این گرایشات ایدئولوژیک کونا گونی را در این نیروها بوجود آورد و با تشدید نمودن هر یک از آنها را بسوی منافع طبقاتی خاص خویش سوق داد. در غلطیدن سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) به دام رویزیونیسم، در افتادن "اتحادیه کمونیستها" به دام رویزیونیسم و گرایشات آنها را رویزیونیستی را هکارگر، گواه بارز این حقیقت است.

بدین ترتیب با پیوستن فدائیان (اکثریت) به رویزیونیسم و در غلطیدن اتحادیه کمونیستها به دام رویزیونیسم، صف رویزیونیستها و اپورتونستها در درون جامعه تقویت گشت، تا آنجا که سبب گرایشات رویزیونیستی، دامین سارینیوها را نیز در بر گرفت. تزلزلات و انحراف رویزیونیستی که در برخورد به سوسال امپریالیسم شوروی در اواخر

نگاهی به برخورد رزمندگان نسبت به پیکار در مورد مسئله سوسال امپریالیسم

زدن به مبارزه ایدئولوژیک بر متن مبارزه طبقاتی پرولتاریاست و هر نوع مبارزه ایدئولوژیک که در خدمت برآوردن نمودن تمایلات روشنفکرانه ناسالوم و گروه گرا یا نه قرار گیرد و بدین ترتیب آن جو سالم مبارزه ایدئولوژیک را در جنبش کمونیستی آلوده و تیره نماید، نه تنها در جهت حل معضلات و تشتت ایدئولوژیک جنبش نیست، بلکه به آن بطور جدی آسیب میرساند. ما آموخته ایم که با ضعفهای خود و دیگران برخوردی انقلابی داشته باشیم. ما آموخته ایم که مبارزه ایدئولوژیک را بر متن مبارزه طبقاتی پرولتاریا به پیش بریم و آنرا بسوی راهی تمایلات روشنفکرانه خویش تبدیل ننماییم و همچنان سبزی کوشیم تا با رعایت این اصل که خود میدان معتقدیم، به مضمون و شکل مبارزه ایدئولوژیک رفقای رزمندگان که در نشریه اخیر (شماره ۳۳) آنها آمده است، برخورد نمائیم.

برخورد رزمندگان نسبت به مسئله سوسال امپریالیسم

شاید خواننده از ما سؤال کند که مگر مقاله رفقای رزمندگان با عنوان "شیوه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک..." خود نشان دهنده آن نیست که هدف این رفقا در این مقاله، برخورد به شیوه مبارزه ایدئولوژیک پیکار راست و نه مسئله

"بسیار خوب آزادی در شیوه برخورد به مطلب حق مقدس هر فردیست فقط باید برخورد جدی و شرافتمندانه به مطلب را بسا برخورد ناشرافتمندانه فرق گذاشت."

لنین - کائوتسکی مرتد
 "اولین شرط در مبارزه ایدئولوژیک صداقت انقلابی است. صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک یعنی اتکا به نوشته و سند و کشف انحراف از آنها و صریح (و غیر صریح - پیکار) نویسنده نوشته، یعنی اتکا به واقعیت، صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک علاوه بر آنکه مربوط به حقیرانه و مذبحا نه برخورد نکردن (و نه تنها این، بلکه غیر کمونیستی و غیر سیاسی و به سبک روشنفکرانه برخورد نکردن - پیکار) را در بر میگیرد." (تاکیدات از ما ست)

رزمندگان شماره ۳۳

شاید خواننده با تعجب بپرسد عجب! شما نقل قولهای را که رفقای رزمندگان علیه شما بکار برده اند، نقل کرده اید. مگر انتقاد آنها را به خود قبول دارید؟ بدون تردید نه! آنچه که در اینجا بنا بر اهمیت است اینست که آنچه که رزمندگان بدرستی ذکر میکنند (چه از لنین و چه خودش)، با بدبیا موزد که خود نیز بکار برده، شیوه برخورد ما دقت نه و شرافتمندانه را برای دیگران پسندیدن، اما خود بکار نمیکنند، یک شیوه بورژوازی و غیر کمونیستی است. این همان شیوه ایست که رفیق ما شود را به آن میگوید: مارکسیسم را برای دیگران پسندیدن و لیبرالیسم را برای خود. رفقای رزمندگان گویی شیوه برخورد ما رکیستی را در مبارزه ایدئولوژیک فراموش کرده اند. ذکر نقل قولهای رزمندگان در مورد شیوه مبارزه ایدئولوژیک که درست و صحیح است، شاید بتواند آموزشی یا شایسته برای خود رزمندگان که آنرا فراموش کرده است!

هر کمونیستی که ذره ای صداقت انقلابی داشته باشد (تکیه میکنیم حتی ذره ای) نمیتواند آنچه که رزمندگان در شیوه برخورد به مبارزه ایدئولوژیک علیه ما (و جنبش کمونیستی) صورت داده است، محکوم ننماید، ساکت بماند و خم به ابرو نیاورد. چه هر کمونیستی که تشنه وحدت جنبش کمونیستی است، نیک میدانند که شرط چنین وحدتی، دامن - از این پس همه تاکیدات از ما ست.

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

سال ۵۸ در رزمندگان پدیدار گشت، نمونه‌ای از این گرایشات بود، ایجاد شک و ابهام در بناره سوسال امیرالیمیم از طرف رفقای رزمندگان در آن دوره، ضمن آنکه رویزونیستها را خوشنود میساخت، نمیتوانست برای جنبش کمونیستی زبان آورنبا شد، چراکه این حرکت جدید در صد آن بود که با ایجاد شک و ابهام در برخورد به مقوله سوسال امیرالیمیم، ترا از زمره اول جنبش کمونیستی و معیار وحدت خارج سازد. رزمندگان از همین دوره بعد است که معتقد میشوند سوسال امیرالیمیم جز اول جنبش کمونیستی نبوده و معیار وحدت نمیتواند باشد (مراجعه کنید به رزمندگان شماره ۵).

همانطور که میدانیم، این انحراف محدود به رزمندگان نگردد و دیدیم که چگونه این تزلزلات و انحراف حتی برخی از نیروها را به زیر پا گذاشتن اصول کثا نید و به سمت خویش جذب نمود. از آنجمله است سر نوشت گروه "اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر" که بر سبب و اصول دارد مورد مقوله سوسال امیرالیمیم به زیر پا گذاشت و حاضر به وحدت ایدئولوژیک (بخوان سازش ایدئولوژیک) با جریانهای گردید که سوسال امیرالیمیم را ملاک وحدت و از اول جنبش کمونیستی نمیدانست. در همین رابطه منگیزی برخی دیگر از گروهها نظیر گروه "سرد"، "سکا رخلو"، "انقلابیون آزادی طیفه کارگر" و... جهت وحدت با رزمندگان میتوانست زمینه‌های هر چه بیشتری برای گسترش و تقویت این انحراف در جنبش کمونیستی فراهم آورد که خوشحانه‌اس نیروها در سر خورد عمیقتر و نزدیکتر با رزمندگان، به درک درستی از این نیرو و مواضع آن نایل آمده و نه تنها حاضر به سازش ایدئولوژیک و زیر پا گذاشتن اصول و خلاصه وحدت با رزمندگان نشدند، بلکه بر عکس با مرز بندی با تزلزلات و انحراف رزمندگان (والیته نه فقط در این زمینه) به مبارزه ایدئولوژیک علیه گرایشات رویزونیستی و تروتسکیستی رزمندگان برخاستند.

اگر چه مبارزه ایدئولوژیک این گروهها علیه انحراف رزمندگان بویژه در برخورد به سوسال امیرالیمیم برای جنبش کمونیستی ایران امیدبخش بود، اما بلحاظ محدودیت توان عینی و ذهنی اینان در گسترش مبارزه ایدئولوژیک علیه انحراف رزمندگان و محدودیت بردمادی این مبارزات ایدئولوژیک نمی توانست تا شریکافی و همه جانبه ای در شکستن این تزلزلات و انحرافات داشته باشد (روشن است که بهیچوجه منظور کم اهمیت جلوه دادن مبارزه ایدئولوژیک این گروهها با رزمندگان نیست، بلکه سخن بر سر میزان تا شریک آن بدلالی است که از آنها نام بردیم).

مبارزه ایدئولوژیک سازمان ما علیه تزلزلات و گرایشات رویزونیستی و تروتسکیستی

رزمندگان که متأسفانه دیرآغاز گشت (این خود جدا وجود انحراف راستروانه در سازمان ما نبود که البته این تاخیر در رشتا این تزلزلات در رزمندگان نیز بی تاخیر نبوده است)، ضربه کوبنده‌ای بود علیه این تزلزلات، تزلزلاتی که نمیتوانست دامنگیر سایر نیروهای جنبش کمونیستی و بویژه آنها که به نقش ایدئولوژی کم بها میدهند نیز نشود.

سوسال امیرالیمیم از سوی رفقا، حقیقت دارد و با صرفا مورد ادعای پیکار است؟ (زمینه را برای رشد گرایشات سالم تقویت نمود و برای بسیاری از اعضا و هواداران رزمندگان که فاقد چنین گرایشی بودند، ضرورت موضعگیری انقلابی بر سر مسئله سوسال امیرالیمیم مطرح گردید.

۴ - سازمان رزمندگان را نیز واداره تغییر

آیا پراستی رزمندگان معتقد است که خرده بورژوازی سنتی مرفه متحد پیکار است؟ و آیا واقعا پیکار برای "درا مان" نگهداشتن متحد طبیعی خود یعنی خرده بورژوازی مرفه سنتی (مسئله نابودی فیزیکی آنرا بهمان کشیده است؟ و آیا نتیجه منطقی چنین اتهامی این نیست که پیکار نیروی ضد انقلابی و ضد خلقی می باشد؟ آیا نیروی ضد انقلابی میتواند متحد طبیعی یک سازمان کمونیستی و انقلابی باشد؟! آخرین به این شیوه و بارزه ایدئولوژیک!!

جهت و تشدید افشاکری علیه سوسال امیرالیمیم نمود (السته با درکی که خود در قضا از آن دارند و ما آنرا قبلا توضیح داده و با زهم خواهیم داد).

اینها نکاتی مثبتی بود که مبارزه ایدئو - لوجیک سازمان ما و سایر نیروهای جنبش کمونیستی بدان دست یافت و طبعاً انتظار میرفت که رفقای رزمندگان نیز با یک شیوه برخورد کمونیستی به اصلاح گرایشات رویزونیستی تروتسکیستی خویش بپردازند. همه منتظر یا سخ رزمندگان به مبارزه ایدئولوژیک که از سوی جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما مان زده شده بود، بودند. اما رزمندگان با انتشار مقاله "شیوه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک... جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما را تا حدی مایوس نمود. برخلاف انتظار، رزمندگان در برخورد به این مسئله، با بکار گرفتن شیوه برخورد غیر کمونیستی، غیر رفیقانه و از آنهم بدتر غیر سیاسی در مبارزه ایدئولوژیک، بجای پاسخ به مبارزه ایدئولوژیک ما و دیگران، به فحاشی علیه ما پرداخت و بدین ترتیب کوشید:

- ۱ - از موضعگیری آشکار در مقابل مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما در این باره طفره برود.
- ۲ - به بیانه حمله به شیوه مبارزه ایدئولوژیک پیکار، دستاورد مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی را در برخورد به این تزلزلات و انحراف مورد حمله قرار دهد.
- ۳ - اعضا و هواداران خویش را متقاعد سازد که در عرصه این مبارزه ایدئولوژیک، حق به جانب است و این پیکار راست که به اتمام زنی دروغ بردازی، داستان سرائی و... می - پردازد!
- ۴ - و با لایحه همچنان بر سر تزلزلات و انحراف رویزونیستی خویش، بصورت زیرکانه‌ای با فشاری نما بدوختی آنرا عمیق نما بد!

اینک بخش وسیعی از جنبش کمونیستی ایران متحد به مبارزه علیه هرگونه تزلزل در برابر سوسال امیرالیمیم برخاسته بود. بویژه آنکه سازمان ما چه بلحاظ برخورد همه جانبه تر و بردمادی بیشتر مبارزه ایدئولوژیک و میزان تا شریک در جنبش، ضربه ننگنده‌ای بر این تزلزلات و انحراف رویزونیستی وارد آورد. به همین ترتیب موضع گیری سازمان ما در برابر سوسال امیرالیمیم در گنگراه خیر برای جنبش کمونیستی ایران (و در اینجا بخش بیکسکرت آن) دارای اهمیت فراوان بود و نمیتوانست مورد استیصال آن قرار بگیرد. همانطور که متقابلاً برخی از نیروها نیز بدلیل همان تزلزلات و انحراف رویزونیستی شان نمی توانستند از این موضع گیری، نمکین و افسرده نباشند!

بازی شدت گرفتن مبارزه ایدئولوژیک بخش وسیعی از جنبش کمونیستی علیه هرگونه تزلزل در مقابل سوسال امیرالیمیم، نتایج گرانقدری را به آورد که ذیلا به ذکر مهمترین موارد آن می پردازیم:

- ۱ - باعث آندیده تر شدن و استوار گشتن بخش بیکسکرت جنبش کمونیستی بر سر مقوله سوسال امیرالیمیم گردید.
- ۲ - تزلزلات و انحراف رویزونیستی در این باره را که آشکارا در حال رشد بودند، به عقب راند و موقتاً این گرایشات را در لاک خود بسپرد، بطوریکه راه سکوت را در برابر این مبارزه ایدئولوژیک و بجای برخورد با آن برکزدند و این خود نشان "تعف" و "عقب نشینی" حاملین این گرایشات بود.
- ۳ - در درون جریان متزلزلی که از طریق ایجاد آنها پوشک به نفعی سوسال امیرالیمیم میپرداخت، یعنی رزمندگان (امیدواریم که رفقای رزمندگان از این عبارت دچار نشوند) آشفتنی شوند و اندکی حوصله خروج دهند، چرا که در همین نوشته خواهد دید که آشفتنی

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

ما در این نوشته میکوشیم آنچه را که در سال گذشته موردر بررسی قرار داده و آنرا صرفاً در حد "حکام کلی" نگاه نداریم. بنا بر این ما نوشته اخیر رزمندگان را در دو بخش مورد برخورد قرار میدهیم:

الف - شیوه برخورد رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک و رابطه آن با گرایش رویزیونیستی و تروتسکیستی این رفقا.
ب - مفاصل نوشته رزمندگان، چه آنها که بصورت سؤال از ما مطرح شده و چه آنها که خود این رفقا در دفاع از خویش مطرح کرده اند.

شیوه برخورد خرد بورژوازی رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک

گفتیم هر کس نوشته اخیر رزمندگان (شماره ۳۲) را مطالعه کند، با نا باوری از خود میبرد چرا رفقای رزمندگان اینچنین غیر رقیقا نه و غیر کمونیستی برخورد می کنند؟ چرا با کینه و لعن و نفرین به پیکار برخورد میکنند؟ مگر پیکار دشمن طبقه تی رزمندگان است؟ و بالاخره این سؤال را از خود میکنند چرا رزمندگان از برخورد به انحرافات خود طفره رفته است؟

بنظر ما پاسخ روشن است. علت نوع برخورد رزمندگان عبارتست از استیمال ایدئولوژیک در مبارزه ایدئولوژیک، جنبش کمونیستی، انحرافات رویزیونیستی رزمندگان را به انتقاد کشیده و محکوم ساخته است، لیکن رزمندگان بدلیل همان انحراف رویزیونیستی خود شیوه نا سالم در مبارزه خود را در نسبت به مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی پاسخ پرولتری ارائه دهند. رزمندگان از جواب روشن و صریح به مبارزه جنبش کمونیستی طفره میروند و این نشانه ضعف و عقب نشینی رزمندگان است. رزمندگان به فحاشی دست میزنند، اما این برخورد از استیمال ایدئولوژیک نشئت میگیرد. جنبش کمونیستی، رزمندگان را با ظروم وضع انحرافیشان در قبایل رویزیونیسم و سوسپال امپریالیسم به انتقاد کشیده است، اما رفقای رزمندگان بدلیل همان انحراف ایدئولوژیک رویزیونیستی تروتسکیستی و عدم انتقاد پرولتری از مواضع خود قادر به پاسخگویی صریح و کمونیستی نمی باشند. جنبش کمونیستی جای حساس را نشان داده و به این دلیل رزمندگان فغانش در آمده و با هیاهو و ناشکیبائی به دفاع از خویش برخاسته است.

ممکن است خواننده مقاله مزبور رزمندگان را با تعجب از شیوه برخورد رزمندگان که سراپا تحقیر و تمسخر و توهین است یاد کند. اگر چنین خواننده ای برای اولین بار است که به نوشته های رزمندگان برخورد نموده، در تعجب خویش بی تقصیر است، اما اگر او نوشته های قبلی رزمندگان را نیز مطالعه

کرده باشد، درخواهد یافت که این شیوه خاص مبارزه ایدئولوژیک رزمندگان است. متأسفانه رفقای رزمندگان نه تنها شیوه برخورد و مبارزه خود را اصلاح نکرده اند، بلکه روز بروز نیز آلوده - تر گردیده اند. بنظر ما نوشته جدید رزمندگان در سبک برخورد خود از مرتزاهای نیست. این سیاست را ادامه نوشته های قبلی رزمندگان و بموازات انحرافات این رفقا وجود داشته است. نگاهی به شیوه برخورد رزمندگان در گذشته این حقیقت را نشان میدهد. رزمندگان در نشریه شماره ۸ خویش در تحلیل از برخورد سازمان ما نسبت به مسئله قطع رابطه هیئت حاکمه ایران با آمریکا در مقاله ای تحت عنوان: "پیکار: اجتناب از مبارزه طبقاتی" مینویسد:

"اکنون بنظر میرسد که این سازمان پیکار است که با اعلامیه شماره ۶۷ خود: "قطع رابطه آمریکا با ایران و موضع هیئت حاکمه... " استین بالازده است تا از فروری توهیم توده ها و انفرادی هیئت حاکمه جلو گیرد. ساده پنداری سازمان پیکار..."

براستی رفقا، "ساده پنداری" ما با عیث کشته تا به کمک هیئت حاکمه ارتجاعی بشتابیم یا آنکه ما "استین بالازده ایم"؟ آیا ما نیروی ضد انقلابی و رویزیونیست می باشیم که "استین بالازده" تا جلوی انفرادی هیئت حاکمه و فروری توهیم توده ها را بگیریم؟ چه ما معتقدیم پورتونستها و بطور مشخص رویزیونیستها ای اکثریت و حزب بوده امروز "استین بالازده" تا از فروری توهیم توده ها و انفرادی هیئت حاکمه جلوگیری نمایند. ممکن است موضعگیری سیاسی نیروی عملاً به چنین نتیجه ای منجر شود، اما این غیر اصولی است که گفته شود این نیرو "استین بالازده" است. رزمندگان در همان مقاله در ادامه برخورد توهین آمیز و غیر سالمش به تمسخر و تحقیر سازمان ما می نشیند و با طعنه میگوید:

"بورژوازی لیبرال "بخش مرتجع" را به بورژوازی لیبرال "مترقی شده" (همانجا) و با مطرح میکند که: "اعلامیه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر که بیشتر به نشریات و نظرات سازمان مجاهدین" مانند است تا یک سازمان م. ل." (همانجا).

رفقای رزمندگان، سبک شما در مبارزه ایدئولوژیک آیا موازین کمونیستی را رعایت می کند؟ رفقا جواب بگوئید در کجا سازمان از بورژوازی لیبرال بخش مترقی نام برده است؟ آیا برای شما روشن نیست که سازمان ما در آن موقع که به بورژوازی لیبرال "بخش مرتجع" معتقد بود بخش دیگر بورژوازی لیبرال را ضد انقلابی میدانست. آیا این مسئله با صراحت تمام در مقاله زیگراگیا و سایر نوشته های ما منعکس نیست؟ شما ما را متهم به دروغ پنداری و تحریف می کنید، ولی خود قضاوت کنید چه کسی چنین می کند؟ براستی رفقا، اعلامیه ما بیشتر به نظرات مجاهدین شبیه است تا به نظرات یک سازمان

ما رکیستی؟ یا کدا مسند و درک و توضیح و مقابله این را نشان دادید؟ بدنبود مقابله ای بیس اعلامیه سازمان و مجاهدین میگردید تا حکمتان شایب شود. آیا این شیوه برخورد صادقانه و کمونیستی است؟ آیا با بکار بردن کلمه تمسخر آمیز بورژوازی "بخش مترقی" طرفی میتوان بریست؟ میتوان به مقصودنا ثل گشت؟ آیا این شیوه برخورد تمسخر آمیز و نا سالم شما را ارضاء می کند؟ آیا شما می بندارید میتوان با تحریف نظرات دیگران، با زخم زدن، برخورد تحقیر آمیز و نا سالم، معضلات جنبش را حل نمود؟ نه، هرگز! این شیوه برخورد غیر کمونیستی جزیره زدن به جنبش کمونیستی نتجه دیگری ندارد. رفقا آیا شیوه کار شما مارکسیسم را برای دیگران بسنیدن و لیبرالیسم را برای خود بسنیدن نمی باشد؟ آیا با چنین برخوردهائی "سهم عمده در رشد مبارزه ایدئولوژیک جنبش" داشته اید؟

رزمندگان حتی به این شیوه برخورد بسنده نمی کند و در جای دیگری نویسد: "پیکار برای درامان نگهداشتن متحد طبیعی خود و نه متحد طبیعی انقلاب ما یعنی خرده - بورژوازی سنتی مرفه از دم تیغ انقلاب... نا بودی فیزیکی را بمان می کند."

(رزمندگان ۲۵، مقاله اطربال)
آیا براستی رزمندگان معتقد است که خرده - بورژوازی سنتی مرفه متحد پیکار است؟ و آیا واقعاً پیکار برای درامان نگهداشتن متحد طبیعی خود (یعنی خرده بورژوازی مرفه سنتی) مسئله نا بودی فیزیکی آنرا بمان کشیده است؟ و آیا نتیجه چنین استقامی این نیست که پیکار نیروی ضد انقلابی و ضد خلقی می باشد؟ آیا نیروی ضد انقلابی میتوانند متحد طبیعی یک سازمان کمونیستی و انقلابی باشد؟! آفرین به این شیوه مبارزه ایدئولوژیک!! رزمندگان چه خوب از لنین نقل می کند:

"بسیار خوب آزادی شیوه برخورد به مطلب حق مقدس هر فردی است، فقط با بد برخوردی و شرافتمندانه به مطلب را با بر خسورد تا شرافتمندانه فخری گذاشت."

ایکاش رزمندگان خود چنین شیوه ای را فراموش نمی کرد!

رزمندگان در جای دیگر در رابطه با نظرات ما در مورد سرمایه داری و ایسته می نویسد: "اگر واقعاً پیکار در این زمینه ها تحلیلی فراهم کرده است، نیک است که آنها را در سطح جنبش منتشر سازد تا جریانی ما نمند ما از ضلالت و گمراهی نجات یابد و به طریق مبین رهنمون شود! حتی اگر تحلیل ها در سطحی نیستند که قابل انتشار باشند، بجا است که رفقای پیکار آنها را لااقل در اختیار ما بگذارند تا از انحراف راهبرده شوم، آنطور که از نوشته های پیکار بر ما بد پیکار رهیب تحلیل مشخصی از این موضوعات ندارد و بلکه بر روی هوا سفق میزند."

رزمندگان میگوید با بد تحلیل داد:

سوسال امیریا لیستهای روسیه... کرده ایم و در آخربین مقالات خود "لهستان، کارگران برعلیه رویزیونیم" و درباره اتحاد عمل، در مورد سوسال امیریا لیست سخن گفته ایم و با آخرین رزمندگان جمع بندی می کند که پیکار دروغ میگوید و "شیوه مبارزه ایدئولوژیک پیکار انتساب دروغ و سفاقت به دیگران و سپس رد آن است." (رزمندگان شماره ۳۳)

سوسال رزمندگان با ذکر نقل قول لنین که میگوید: "... با بد برخوردی جدی و شرافتمندانه به مطلب را با برخورد نا شرافتمندانه فرقی گذاشت." در پی آن است که به خواننده لقا کند که شیوه برخورد پیکار شرافتمندانه است و در ادامه "موزش" مبارزه ایدئولوژیک بما، میگوید:

"اولین شرط در مبارزه ایدئولوژیک صداقت انقلابی است، صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک یعنی اتکا به نوشته و سند و کشف انحرافات از اظهار صریح (وما انما فیه میکنیم همچنین از اظهارات غیر صریح - پیکار) نویسنده نوشته یعنی اتکا به واقعیت... (همانجا) بدین ترتیب رزمندگان شیوه برخورد مارانه تنها نا شرافتمندانه میخواند، بلکه "دروغین"، "فاقد صداقت انقلابی"، "حقیرانه"، "مذبوحانه برخورد کردن" و "ناشی از انحرافات انگیزه ای" در مبارزه ایدئولوژیک میخواند و برای آنکه برای خواننده سو تفاهمی پیش نیاید توضیح میدهد که: "ما مخالف مبارزه ایدئولوژیک بر سر سوسال امیریا لیست نیستیم، اما مخالف آن هستیم که اولاً بطور غیر رقیبانه و غیر کمونیستی مسائل را در جنبش طرح نمائیم فقط فقط با عت سردرگمی میشود. (مثل انتسابات رفقای پیکار بما). (همانجا).

معنای حرف رزمندگان چیست؟ مضمون این حرف بدان معنی است که اولاً خود رزمندگان شیوه برخورد رقیبانه و کمونیستی در پیش میگیرد و مخالف شیوه غیر رقیبانه است (البته لابد همین آخربین مقاله را نظر رزمندگان برای جنبش کمونیستی نمونه ها هکاری از شیوه برخورد کمونیستی است!) و ثانیاً پیکار با این شیوه برخورد غیر کمونیستی و غیر رقیبانه که در شماره بر سر سوسال امیریا لیست قلم زده است با انتساب ناروا به رزمندگان فقط به ابعاد سردرگمی کمک کرده است.

رزمندگان که شدیداً عصبانی و ناراحت بنظر میرسند، شماره پپی در پی مبارزه ایدئولوژیک پیکار بر سر ترتیلات رویزیونیم رزمندگان را داستا نسراشی و تئوری با فی پوچی میخواند که پیکار برای نشان دادن آن در رزمندگان تلاش میکند "پوی از این، داستا نسراشی و تئوری با فی پوچی را تا غا ز کرده است تا مگر بدینوسیله وجود رویزیونیم در ما وانعکاس آن را در مبارزه ما در جنبش و تکتیکهای ما نشان دهد." (همانجا).

چرا رزمندگان مبارزه ایدئولوژیک پیکار را داستا نسراشی و تئوری با فی میخواند؟ زیرا معتقد است که در هیچ کجا رزمندگان به رد تئوری

"نه اینکه با حدس و فرض پیشگویی نه و ما لانه به غلط در بین ظاهر مواضع، غولهای بی شاخ و دم ردیف کرده و بزرگ حدس و تقریب نسبتی را وارد کرد." (شماره ۲۲).

آیا برآستی رزمندگان با پیکار بریدن و نسبت دادن الفاظی مانند "رما لانه" و "پیشگویی نه" ردیف نمودن غولهای بی شاخ و دم، سقف زدن روی هوا، برخورد کمونیستی و رقیبانه میکند؟ آیا رزمندگان آنچه استه شیوه برخورد است یعنی متانت پرولتری را در مبارزه ایدئولوژیک خوش رعایت میکند؟ واقعیت این است که چنین نیست. آری این واقعیتی است که جنبش کمونیستی نیز به آن اذعان دارد. البته پرواضح است که از نظر ما این انحرافات رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک رابطه مستقیمی با انحرافات ایدئولوژیک آنان دارد. هر کسی بجز این فکر کند به جراه افتاده است. گرایش تروتسکیستی در این رفا نمیتواند انحراف چپروانه و نا سالم را در سبک مبارزه ایدئولوژیک آنان بیابا رنیاورد. بعد از زنگسره گذشته رزمندگان و رشد گرایش تروتسکیستی - رویزیونیم در برخورد به سوسال امیریا لیست ساخت جا معه، قدرت سیاسی، وحدت و... اینس گرایشات انحرافی نمی توانست در شیوه مبارزه ایدئولوژیک نیز بروز نماید. این شیوه مبارزه ایدئولوژیک، شیوه ای سکتا ریمستی (گروه گرایانه) و روشنفکرانه است. و در خدمت وحدت جنبش کمونیستی تمیبا شد. و با لعن در جهت به آنتا گونیسم کشیدن کاذب مبارزه ایدئولوژیک قرار دارد. چنین است که میگوئیم شیوه برخورد رزمندگان در نوشته اخیرش را نباید پدیده جدید و غریبی دانست. چه دامنه منطقی برخورد های انحرافی رزمندگان، چنانچه اصطلاح نمی گشت (که نگشته است) تا گزیریدینجا کشیده میشود که در برخورد اخیرش مشا هده میکنیم. آنچه در برخورد اخیر رزمندگان تا زگی دارد، همانا عمق یا بی بیش از پیش گرایشات انحرافی اوست (و البته نه فقط در شیوه، بلکه در مضمون نیز این انحرافات تشدید شده است).

اکنون به بررسی شیوه برخورد رزمندگان در نشریه شماره ۳۳ رزمندگان "بیردا زیم، تا عمیق تر شدن انحراف بورژواشی رزمندگان را نشان دهیم.

رزمندگان که شدیداً عصبانی و ناراحت بنظر میرسند، شماره پپی در پی مبارزه ایدئولوژیک پیکار بر سر ترتیلات رویزیونیم رزمندگان را داستا نسراشی و تئوری با فی پوچی میخواند که پیکار برای نشان دادن آن در رزمندگان تلاش میکند "پوی از این، داستا نسراشی و تئوری با فی پوچی را تا غا ز کرده است تا مگر بدینوسیله وجود رویزیونیم در ما وانعکاس آن را در مبارزه ما در جنبش و تکتیکهای ما نشان دهد." (همانجا).

چرا رزمندگان مبارزه ایدئولوژیک پیکار را داستا نسراشی و تئوری با فی میخواند؟ زیرا معتقد است که در هیچ کجا رزمندگان به رد تئوری معتقد است که در هیچ کجا رزمندگان به رد تئوری

رزمندگان که شدیداً عصبانی و ناراحت بنظر میرسند، شماره پپی در پی مبارزه ایدئولوژیک پیکار بر سر ترتیلات رویزیونیم رزمندگان را داستا نسراشی و تئوری با فی پوچی میخواند که پیکار برای نشان دادن آن در رزمندگان تلاش میکند "پوی از این، داستا نسراشی و تئوری با فی پوچی را تا غا ز کرده است تا مگر بدینوسیله وجود رویزیونیم در ما وانعکاس آن را در مبارزه ما در جنبش و تکتیکهای ما نشان دهد." (همانجا).

چرا رزمندگان مبارزه ایدئولوژیک پیکار را داستا نسراشی و تئوری با فی میخواند؟ زیرا معتقد است که در هیچ کجا رزمندگان به رد تئوری

رزمندگان که شدیداً عصبانی و ناراحت بنظر میرسند، شماره پپی در پی مبارزه ایدئولوژیک پیکار بر سر ترتیلات رویزیونیم رزمندگان را داستا نسراشی و تئوری با فی پوچی میخواند که پیکار برای نشان دادن آن در رزمندگان تلاش میکند "پوی از این، داستا نسراشی و تئوری با فی پوچی را تا غا ز کرده است تا مگر بدینوسیله وجود رویزیونیم در ما وانعکاس آن را در مبارزه ما در جنبش و تکتیکهای ما نشان دهد." (همانجا).

رفقای پیکار را در برابر خود دارد) "نسبت دادن یک سفاقت آشکاره مخالفین خود و سپس رد آن شیوه افرادی است که چندان عقل درستی ندارند" (لنین، کاتوتسکی مرتد) (همانجا) بدین ترتیب رزمندگان ما "درس مبارزه ایدئولوژیک" می آموزد، او میگوید اولاً ما عقل چندان درستی نداریم و ثانیاً مبارزه ایدئولوژیک بین ما و خودشان همچون مبارزه ایدئولوژیک کاتوتسکی و لنین است و ما همچون کاتوتسکی به مخالف خود انتساب سفاقت می دهیم و رزمندگان همچون لنین به رد این شیوه می پردازد!

رزمندگان که همچنان مخالف برخورد غیر کمونیستی و غیررفیقانه است، به پیکار می آموزد که برخورد های "ساده لوحانه" اش بسودر و بسویونستهای پایانی یافته است:

"ما نمونه های متعددی را از اینگونه برخورد های رفقای پیکار در ابریم که نه تنها از موضعی اصولی انجام نشده، بلکه به طرز ساده لوحانه بسودر و بسویونستهای خاتمه یافته است."

و بعداً ذکر داده و امثله هایی که بزم خود، نشانه ساده لوحی پیکار در مبارزه ایدئولوژیک است، میگوید "سومین مشخصه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک" را که همانا به همه چیز تا ختن، بدون اینکه درک عمیق و دقیقی از مسائل داشته باشد" را نشان دهد. بزم رزمندگان از اظهار نظرهای پیکار خواننده را از "تیر مدعا"ی "حیرت زده میکند و آنگاه رزمندگان به فکر فرو می رود که چرا:

"رفقای پیکار با بد در مبارزه ایدئولوژیک عقلی در کینوتی که فقط با اوها مویختلالت خود به جنگ می رود، تا این حد اعتبار و ارزش مبارزه ایدئولوژیک را، تهیم با توسل بسفاهت و انتساب سفاقت و اظهار نظرهای که جدا انسان را به فکر فرو میبرد (مثل نمونه ها) که گفتیم) پاشین بیاورد". (همانجا) والبتنه معطل نمی ماند و "عجالتاً" بسک علت ذکر میکند (تا بعد) و آنهم این است که:

"پیکار خود را نیروی تعیین کننده جنبش کمونیستی میدانند، پس با بد دریا ره همسجیزا اظهار نظر نماید. حتی اگر هیچگونه دلیلی برای آن آرا نداشته نماید... بهمین علت رفقای پیکار بدون اینکه کوچکترین تلاشی در توضیح دقیق تز سوسیال امیریا لیسیم، بررسی شرایط تاریخی پیدا بش آن، مرز بندی آن با سجهان و غیره کرده باشند، ترجیح میدهند که ابتدا آن را بمنا به املی الهی و آسمانی بایک قضیه اصولی هندسی بپذیرفته و سپس دیگران را - که درک عمیقتری از مشکلات و ابهامات این تدارکند - به رد آن متهم نموده... ومشتسی کلیات را بر سر آنها بگویند". (همانجا)

البته رزمندگان "تاما ما با استناد به نقل قول و سند مدرک" این حدسیات خود را در مورد علت این نوع برخورد پیکار و اعتقادش به "الهی" بودن این تز... ثابت میکند، چه رزمندگان "عادت" ندارند که "آنها میزنند"، "دروغ بگویند" و "برخورد

غیررفیقانه و غیر کمونیستی" بنماید! رزمندگان برای وارد آوردن دومین ضربه (اولین ضربه را موقع همانند کردن پیکار رو کاتوتسکی "بی عقل" بزم خویش وارد آورد) میگوید همزمانی خاشنین ضد انقلابی "جزیرنجیران" را با پیکار نشان دهد! و میگوید: "بیهوده نیست که رنجبران را گان سهجانی ها در شماره ۱۰۲ خود کلی باقی های پیکار را بر علیه ما نقل میکند، آنقدر کلی باقی که رنجبران این سر سخت ترین مبلغ سوسیال

شماره ۱۰۲ - پیکار شماره ۶۹). (همانجا) آبا و اقرار رزمندگان مبنای متدولوژیک پیکار را همچون سهجانی ها میداند؟! آبا این همان شیوه برخورد ما کما و لیستی روبرویونستهای اکثریت نیست که برای تخطئه م. ل ها میگویند: "سهجانی ها میگویند "سوسیال امیریا لیسیم" شما (منظور م. ل هاست) میگوید "سوسیال امیریا لیسیم"، پس شما و آنها هیچ تفاوت کیفی در عمل وجود ندارد" (نقل بمعنی از کار رسله

همه منتظر پاسخ رزمندگان به مبارزه ایدئولوژیک که از سوی جنبش کمونیستی و از جمله سازمان مادا من زده شده بود، بودند. اما رزمندگان با انتشار مقاله "شیوه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک... جنبش کمونیستی و از جمله سازمان اتحادی ما برس نمود.

شماره های مربوط به رد سوسیال امیریا لیسیم) آری، این است شیوه برخورد "رفیقانه و کمونیستی و شرافتمندانه"، رفقای رزمندگان در ادامه تحلیل های "عمیق" و "مستدل" و "مستند" خویش میگویند:

"پیکار که شناخت مارکسیستی را اساساً از زاویه ای دیگری شناسد و معتقد به نوعی دیگر شناخت است، برخلاف راه رسم متداول در مارکسیسم استدا حکم میدهد و بسعد در پی اثبات آن است پیکار به شیوه ای اشرافی و افلاطونی بدون آنکه ذره ای جای بحث با شد میگوید: اگر سوسیال لیسم نیست پس امیریا لیسیم است و انتظا را دارد، خواننده نیز به سبک ایده آلیست ها بگوید: آری همین است... این با آن "شعار شناخت پیکار رنجین است. وقتی پای تحقیق و تحلیل به پیش می آید برعکس با ساده لوحی و ندامت کاری آشکار میگوید: روبرویونسیم حاکم است پس سوسیال امیریا لیسیم است... پیکار بنا

متدولوژی خود که عبارت است از تحلیل شخص لازم نیست: این با آن... (همانجا) بسیار خوب! دیدیم که رزمندگان چگونه بدون "انتساب دروغ و سفاقت بدیگران و سپس رد آن"، بر اساس اظهارات صریح نویسنده و با نقل قولهای فراوان به شیوه ای کاملاً غیرمذوحانه و غیرحقیقانه جوهر تحلیل و شناخت پیکار را اثبات نمود! روشن شد که: الف - پیکار ذره ای جای بحث نمی بیند (نمونه ای از ضد اقلات انقلابی رزمندگان) ب - شعار شناخت پیکار رنجین است با این و با آن یعنی افلاطونی و اشرافی و بر

پا به "ساده لوحی" پیکار، متدولوژی تحلیل شخص لازم نیست... جنبش است درس آموزی رزمندگان به ما در چگونگی مبارزه ایدئولوژیک و برخورد "کمونیستی و سیاسی" رزمندگان برای اینکه به ما "بیا موزد" که با بد نسبت به مسئله تحلیل داشت، از ما می پرسد:

"آقایان با کدام تحلیل اینطور سخن می گویند: "تحلیل اولیه چین؟ تحلیل سهجانی ها؟ تحلیل بنلهایم؟ تحلیل آلیا نی؟ تحلیل بورژوازی اروپا و آمریکا؟ (همانجا)

امیریا لیسیم سهجانی هم آنها را بستند و ترجیح داده است از زبان پیکار رسماً حمله کند تا پیکار را نیز تلویحاً تا شد کرده باشد. رفقا! شیوه خوبی است! بالا چهار رنعل سه پیش! (همانجا)

رزمندگان اولاً با مبارزه ایدئولوژیک که "معمول" خود است، نشان داد که حزب رنجبران، پیکار را تلویحاً تا شد می کند! و ثانیاً پیکار چهار رنعل به پیش سمت حزب رنجبران میتازد! (همزمانی پیکار و رنجبران در حمله به تزلزلات رزمندگان نیز گواهی این واقعیت است!!)

واقعاً چه نیک است بین برخورد شرافتمندانه و کمونیستی و برخورد غیر شرافتمندانه که فرق گذاشتن! آبا این شیوه استدلال روبرویونستهای خاشن حزب توده و شرکا نیست که مرتباً به م. ل ها گوشزد میگردند: امیریا لیسیم غرب، شوروی را تجا و زکا رو توسعه طلب و امیریا لیست میداند، شما نیز همان آنها ما امیریا لیست ها را میزنید، چه فرقی بین شما و امیریا لیستها است؟! (نقل به معنی از بسوی حزب) و یا: رژیم جلاد شاه، نیز دشمن سر سخت حزب توده است، شما (منظور کمونیستهاست) نیز با حزب توده دشمنی و عناد می ورزید! آبا این نشانه همزمانی شما با رژیم نیست؟! (نقل بمعنی از همانجا). با چریکها نیز در در نظرات م. ل ها در مورد بطلان مشی خریکی می گفتند: رفرمیستها و روبرویونستهای مشی خریکی را رد میکنند، شما نیز (منظور م. ل هاست) چنین می کنید. آبا این نشانه هنده متدولوژی یکسان شما نیست؟ آبا این نشان نمیدهد که یک چیز را می گویند؟ آری رزمندگان که مخالف سر سخت برخورد "غیر رفیقانه و غیر کمونیستی" است، شیوه برخورد روبرویونستهای رادیکال گرفته است و برای تخطئه نظرات پیکار، میگوید این نظرات را مبنای متدولوژیک سهجانی ها جلوه دهد! و با میگوید:

"بیهوده نیست که ما می بینیم اصول متدولوژیک پیکار را رنجبر شماره ۱۰۲ بعنوان مبنای مورد قبول خود تکرار می کند "در سطح جنبش کمونیستی ایران فلسفه شکاکیت از جمله در ارتباط با واقعیت سوسیال امیریا لیسم تهاظره پدید آمده است" - رنجبر

و آبرای رزمندگان روشن نیست که ما با تحلیل سوزوای آمریکا و اروپا و سهجانی ها تزسوسال امیرالیم را قبول داریم یا با تحلیل دیگری؟! البته رزمندگان ایرادوار نیست اگر ندانند که تحلیل ما از سوسال امیرالیم منطبق بر نظرات آلمانی، بتلها سمورق قای ما رکیست لنینیست چن است نا نظرات دیگری، ولی آبا رزمندگان واقعا نمی دانند که تحلیل ما با سوزوای امیرالیمستی آمریکا و اروپا و سهجانی ها فرق دارد؟ آبا برای کله کله کمنیستها حتی نیروهای مترزلیبی چون "راه کارگر" روشن نیست که تحلیل نیروهای خط ۳ از سوسال امیرالیم با تحلیل سوزوای آمریکا و اروپا و سهجانی ها فرق دارد؟ بروا صخ است که نمایندگان سوزوای آمریکا و اروپا در دفاع از امیرالیم غرب، در سنگر قایت با سوسال امیرالیم بمنظور تخطئه کمنیستیم است که اصطلاح سوسال امیرالیم را بکار میبرد. سهجانی ها نیز از موضع رقابت جویانه دو سوزوای و در دفاع از امیرالیم آمریکا و اروپا و در سازش با سوزوای و از موضع ضد پرولتری اصطلاح سوسال امیرالیم را بکار میبرند. آبا در دفاع از خزعبلات "امیرالیم میرنده آزیکسا" و "امیرالیم با لنده شوروی" نشان میدهند که فائد درک علمی از مقوله امیرالیم که دوران میرندگی و گندیدگی سرما به داری است می باشند و "امیرالیم با لنده سهجانی ها همانی تیز احقانه ای است که منطبق بر تهرات رویونیستی کائوتسکی، مبتنی بر "اولترا امیرالیم" است و این نظرا لحاظ ایدئولوژیک نیز برپا به خیانت به پرولتاریا و انقلاب و خدمت به سوزوای است که به "سوسال امیرالیم" معتقد است. آبا مقایسه تحلیل ما از این مقوله با تحلیل سوزوای آمریکا و اروپا و سهجانی ها "برخورد شرافتمندانه و صادقانه" است؟! رزمندگان گستاخی ربه آنجا میکشاند که میگوید: "پیکار میگوید: "من همه چیز را میدانم" و وقتی دهانش را بازمیگردد فقط تکرار میکند سوسال امیرالیم است... خلاصه سوسال امیرالیم است چون سوسالیم نیست، دلایل: همان چیزهایی که هر روز میتوان در ستون روزنامه های جمهوری اسلامی، رنجبران و انقلاب اسلامی پیدا کرد. تحلیل: زورنا لیم سوزوای " (هما نجا) کافی است ذره ای صداقت در کار باشد، ذره ای متانت پرولتری در کار باشد، تا از اینهمه برخورد غیر سیاسی، نا هنجار و تحریف آمیز خودداری نمود. آبا هر خواننده ما دقی آنچه را که پیکار تا کنون در تحلیل از سوسال امیرالیم گفته است (چه در برخورد به فدائیان، چه در برخورد به رزمندگان، چه در ترجمه هایی که در مورد شوروی نموده است، چه در وقایع و آمارهایی که از

شوروی ارائه داده است) - اگر چه بسیار محدود است - همانی است که در روزنامه های انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و رنجبران میخوانند؟! این همه کینه توزی رزمندگان نسبت به سوزوای امیرالیم شوروی (با به شیوه برخورد پیکار؟) ناشی از چیست؟ آبا بعدا توضیح میدهم. رزمندگان همچنان به برخوردهای "رفیقانه" "آموزشی"، "کمنیستی"، "مستند"، "مستدل"،

می بینیم، اما شما را رویونیست نمی دانیم. چه یک انحراف هنوز یک جریان تمام عیار نیست. چیزی است که هنوز میتواند اصلاح گردد! (نقل بمعنی از انحراف آنا رکوئندیکا لیستی در حزب ما - لنین) ما فدائیان (اکثریت) را رویونیست میدانیم، یعنی آنها مرتد گشته اند و دیگر جزو جنبش کمنیستی نیستند، اما شما دچار انحراف هستید، نکنند این بدیهیات را هم نمیدانند و باید

رفقای رزمندگان نه تنها شیوه برخورد و مبارزه خود را اصلاح نکرده اند، بلکه روز بروز نیز آلوده تر گردیده اند. بنظر ما نوشته جدید رزمندگان در سبک برخورد خود امر تازه ای نیست این سیاست، ادامه نوشته های قبلی رزمندگان و بموازات انحرافات این رفقا وجود داشته است. نگاهی به شیوه برخورد رزمندگان در گذشته این حقیقت را نشان می دهد.

البته پروا صخ است که از نظر ما این انحراف رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک رابطه مستقیمی با انحرافات ایدئولوژیک آنان دارد. هر کسی بجز این فکر کند به گجراه رفته است. گرایش تروتسکیستی در این رفقا نمی تواند انحراف چپروانه و ناسالم را در سبک مبارزه ایدئولوژیک آنان به بار نیاورد.

آبا شما آموخت! آبا آنکه میداند و بداند جنس تحریف آشکاری میکشید با مظلوم نمایی، بلکه برک برنده ای بدست آورید!

رفقا! در خلال چند سطر چگونه "تحلیل" نمودید که شیوه پیکار را شناخت مکانیکی است نه دیا لکتیکی و آنرا مشخصا در مورد سوسال امیرالیم نشان دادید و می گوئید: پیکار مطرح میکند "ما میکوشیم سوسال امیرالیم بس مسئله روشن است تحلیل نمیخواهد"... اگر چه شما کوچکترین تلاشی در جهت اثبات حکمتان با "دلیل"، مدکویا نکا، به "اطهارات صریح نویسنده (خودتان معتقدید که صداقت در مبارزه ایدئولوژیک یعنی این صورت نداده اند، اما حرف خود را زده اند. رزمندگان با نقل قول از انگلس در مورد این امر که "ما رکن در نظر نداریم که چون این جریان رانفی در نفی مینامد، از اینرو میخواهد آنرا بعنوان ضرورت تاریخی به اثبات برساند" و ذکر این نکته که: "لابد ما بر ما ثلی را که ما رکیستها برای نخستین بار به آنها پرداخته اند، در واقع بطریق غیر علمی (از نظر پیکار) مورد در حقیقت میخواهد با زبان بی زبانی بگوید مسئله سوسال امیرالیم مسئله ای نیست که ثابت شده باشد، بلکه مورد تحقیق است. چه، استنتاج میکند که پیکار همان برخوردی را که نسبت به سوسال امیرالیم میکند لاد نیست به ما بر ما ثلی که ما رکیستها برای نخستین بار به آنها پرداخته اند، صورت میدهد، یعنی آنرا غیر علمی میدانند!

"بدون تحریف"، "بدون دروغ برداری"... ادامه میدهد:

"تغی پیکار از پدید آمدن در پرده شناخت، نفسی دیا لکتیکی نیست، نفسی ساده مکانیکی است... پیکار در حالیکه هرگز یک تحلیل جدی، عمیق و اساسی ربه جنبش کمنیستی ارائه نداده است، با اصرار تمام قریا میزند: "ما می گوئیم سوسال امیرالیم! پس مسئله روشن است. تحلیل نمیخواهد. رزمندگان هم که میگویند تحلیل کنیم، رویونیست وجه بسا سوسال امیرالیم است! و این را میتوان در همه جا دید، در تاکتیک های مبارزاتی رزمندگان هم بصورت دیدا تحرافی در باره شوروی رویونیست موجود است" است. "این است شیوه پیکار در تحقیق علمی و مطالعه ما رکیستی - لنینیستی پدیده ها هر چیزی این نیست - آن است - تحلیل نمیخواهد (هما نجا).

پیکار در کار گفته است سوسال امیرالیم تحلیل نمیخواهد؟ رفقا، شما خودتان میگوئید: صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک یعنی استناد به سند مدرک و نوشته صریح نویسنده. کجا پیکار گفته است رزمندگان چون میگوید تحلیل کنیم، رویونیست وجه بسا سوسال امیرالیم است! آبا این تحریف آشکار و مفرضا نه نیست؟ از این مظلوم نمایی که گویا پیکار شما را "رویونیست" وجه بسا سوسال امیرالیم است میدانند، چه سودی میبرید؟ ما معتقد نیستیم شما رویونیست و سوسال امیرالیم هستید. این دروغ آشکار است. رجوع به نوشته های ما بهترین دلیل این امر است. ما در شما انحراف رویونیستی

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

نشده است و برای نخستین بار با ایده آن پرداخته رزمندگان برخوردار کرده‌اند که رواج شک در مورد این مسئله را برخورد غیر علمی میدانیم، همان برخوردی می‌دانند که لایحه ما بر مسائلی که نخستین بار به آنها پرداخته می‌شود می‌کنیم. با زبانه این مسئله در انتها خواهیم پرداخت.

رزمندگان آموزش را با شرف و تمجید از خود علیه ما بیابان میبرد:

"چرا پیکار به مبارزه ایدئولوژیک شخص ما پاسخ نداده است، هر کس که یکبار رنشریسه رزمندگان را خوانده باشد به نقش فعالی که ما در مبارزه علیه رویزیونیسم داشته‌ایم پی می‌برد... مبارزه‌ای که ما داشته‌ایم تاثیر عمده‌ای را در رشد مبارزه ایدئولوژیک در جنبش و طرح مسائل انقلاب داشته است."

و اضا ف می‌کند:

"و از این جمله است برخوردهای ما با سازمان پیکار بر روی خلق و ضد خلق، جامعه سرمایه‌داری و بسته... در همه این موارد پیکار مسئله را با سکوت برگزای می‌کند، ترجیح می‌دهد مواضع خود را مثل لباس هر روز عوض کند ولی بر سر آنها مبارزه ایدئولوژیک نکند پیکار ترجیح می‌دهد بنا به میل خود ابتدا آنها را از بن و بعد از زیر پا سخ دادن متقابل شانه خالی کند. برای پیکار مبارزه ایدئولوژیک اهمیت ندارد. اظهار بعضی مواضع، بستن آنها مات دروغین بدیگران این است که اهمیت دارد. برای آنها هیچ اهمیتی ندارد که جنبش کمونیستی بدانند که آیا رفقای پیکار با لایحه به بورژوازی ملی و غیر وابسته... در جامعه ما اعتقاد دارند یا نه، مهم آنست که با بددیگران را به هر قیمت کوبید. ما مخالف مبارزه ایدئولوژیک بر سر سوسال امپریالیسم نیستیم، اما مخالف آن هستیم که اولاً بطور غیر ریفیکانه و غیر کمونیستی مسائلی را در جنبش طرح نمایند که فقط باعث سردرگمی می‌شود (مثل انتصابات رفقای پیکار ما) و ثانیاً مسائل اصلی جنبش را مسکوت بگذاریم." (همانجا)

سپس رزمندگان غرق در شرف، تعریف از خود را به بدترین برخوردهای غیر سیاسی ممکنه می‌کشند:

"در حالیکه ما تا کنون اتحاد عمل را طرح کردیم، دفاع از میهن را در کردیم (وجه کارهای دیگر که نکردیم - پیکار)... پیکار مشغول خریدن سرخود بود، آنگاه پیکار کجا بود تا از تکتیک انقلاب دفاع کند که حالا ناگهان بنظر آمده است ما که مبارزه خود را با رویزیونیسم علی‌الخصوص در رابطه

با مسائل جنبش موفق میدانیم، رویزیو - نیستیهای جنبش هستیم. علت آنهم داشتن آنها ما تی در مورد سوسال امپریالیسم است." (همانجا)

بدین ترتیب رزمندگان در چند سطر نشان

میدهد:

- ۱ - پیکار آنها مدروغین میزند.
- ۲ - برایش مبارزه ایدئولوژیک اهمیت ندارد.

حریف بزم رزمندگان "رسوا" گشته است، هم رزمندگان "پاسخن" را داده و حمله حریف را با جواب نگذاشته است و جالب اینکه رزمندگان همچنان بر تزلزلات رویزیونیستی خویش، با زیرکی هر چه تماشا می‌نمایند، ایستادگی نموده و حتی آنرا تعمیق نموده است!



بهمین ترتیب موضعگیری سازمان مادر بر سر سوسال امپریالیسم در کنگره اخیر برای جنبش کمونیستی ایران (و در اینجا بخش پیگیران) دارای اهمیت فراوان بود و نمیتوانست مورد استقبال آن قرار نگردد. همانطور که متقابلاً برخی از نیروها نیز بدلیل همان تزلزلات و انحراف رویزیونیستی شان نمی‌توانستند از این موضعگیری غمگین واقف و آسوده نباشند!

آیا رزمندگان واقعا نمیدانند که تحلیل ما با بورژوازی امپریالیستی آمریکا و اروپا و سه جهانی هافرق دارد؟ آیا برای کمونیست ها حتی نیروهای متزلزلی چون "راه کارگر" روشن نیست که تحلیل نیروهای خط ۳ از سوسال امپریالیسم با تحلیل بورژوازی آمریکا و اروپا و سه جهانی هافرق دارد؟

شیوه برخورد مارکسیستی لنینیستی در مبارزه ایدئولوژیک چیست؟

گفتیم اگر مبارزه ایدئولوژیک بر متن ما بر اشکال مبارزه طبقاتی پرولتاریا و جزئی از آن نباشد، مبارزه ایدئولوژیک پرولتاری نیست، جدال روشنفکرانه است. اولین اصلی که در مبارزه ایدئولوژیک باید همواره در نظر داشت، استنتاج نکاتی است که نه در خدمت ارضای تمایلات روشنفکرانه و تنگ نظران، بلکه در خدمت گره گشایی از معضلات و مشکلات جنبش کمونیستی و انکشاف مبارزه طبقاتی پرولتاریاست این مبارزه در خدمت دفاع از پاکیزگی مارکسیسم لنینیسم می‌باشد. این مبارزه با نقد و طرح انحرافات ایدئولوژیک غیر پرولتاری، مواضع پرولتاری را تحکیم نموده و مبارزه پرولتاریا را ارتقاء می‌بخشد. این مبارزه متین طبقاتی می‌کوشد تا بورژوازی، نمایندگان فکری آن و ایدئولوژی او را بسخت شکست قطعی سوق دهد. در مبارزه ایدئولوژیک، دونوع انحراف میتوانند بروز نمایند: انحراف راستروانه و رویزیونیستی و انحراف چپروانه و روشنفکرانه. انحراف نوع اول در کم بهادان به مبارزه ایدئولوژیک، دردمازی و سازش، در ارزیابی راستروانه از عمق یک انحراف ایدئولوژیک، در دیدن وحدت و دیدن تضاد و...

- ۳ - برایش کوبیدن دیگران مهم است.
- ۴ - بطور غیر ریفیکانه و غیر کمونیستی مبارزه ایدئولوژیک میکند.
- ۵ - مسائل اصلی جنبش را مسکوت میگذارد.
- ۶ - پیکار در موقعی که رزمندگان مشغول دفاع قهرمانانه از مارکسیسم بود، مشغول سرخاریدن بود.
- ۷ - پیکار رزمندگان را رویزیونیست میدانند.
- ۸ - رزمندگان کماکان در مورد سوسال امپریالیسم ابهام دارد.
- ۹ - موضعش در مورد سوسال امپریالیسم حتی بیشتر از پیکار روشن است.
- ۱۰ - پیکار دیگران (و از جمله رزمندگان را) که درک عمیقتری از مشکلات و ابهامات این تزلزل دارند به رد آن متهم می‌کند.



آخیز آموزش رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک با پیکار که "تا هکار" جنبش کمونیستی است، این است که به پیکار روا منالهم هشدار دهد:

"خشکی و جمودی تشویریک پیکار رنگ خطری است که هرگاه بدان توجه نشود در وقوع بگردد. مدمات جدی ببار خواهد آمد... رفقای پیکار با این شیوه برخورد در عمل اتا کید از خود رزمندگان است) و برخلاف خواسته و نیات خود را بر رویزیونیسم می‌کشایند."

و اینچنین سابقه بیابان می‌یابند و رزمندگان حریف را که مسائل "نامربوط و دروغی" را در باره تزلزلات رویزیونیستی رزمندگان مطرح ساخته بود از دروغ خارج میکنند. نتیجه: هم

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

خود را بروز میدهد. انحراف رویزیونیستی می - کوشد تا بین ایدئولوژی پرولتاریا و ایدئولوژی بورژوازی سازش دهد و مآفع پرولتاریا را قربانی نماید. انحراف رویزیونیستی مبارزه ایدئولوژیک را اخته میکند و برائتی پرولتاریا را از آن میگیرد. این انحراف، شرایط تداوم انحرافات غیرپرولتاری را بوجود می آورد و زبرجسته شدن خط پرولتاری ممانعت بعمل می آورد. انحراف نوع دوم در شکل دیگری بروز می نماید: - به آنتاگونیسم کشاندن مبارزه ایدئولوژیک، بر خورد کینه توزانه، مفرطانه و منفعت طلبانه در مبارزه ایدئولوژیک، بازی با الفاظ، تکه پرانی، تمسخر، سفسطه گری، زخم زبان زدن، تحقیر نمودن و... از جمله مشخصات این انحراف روشن فکرانه میباشد. نیروها (بویژه در خارج از کشور) که دغدغه فکری منافع طبقاتی پرولتاریا را ندارند به این سبک از مبارزه ایدئولوژیک روی می - آورند. آنان ساعتها به جدلهای روشن فکرانه پرداخته می آنگه بخوانند گری از معضلات جنبش و طبقه کارگر را نگشایند. این شیوه برخورد تروتسکیستی، آنتاگونیستی، سکتاریستی و آنتاگونیستی میباشد. این انحراف - برای مغلوب کردن حریف به تحریف و وارونه جلوه دادن حقایق میپردازد. این انحراف در واقع بیک سبک مبارزه ایدئولوژیک بورژوازی روی می آورد. بنظر ما رفقای رزمندگان دچار چنین سبکی در مبارزه ایدئولوژیک میباشد. آنان می - کوشند با تحریف مسائل و حملات غیررفیقانه خود را محق جلوه دهند.

کمونیستها در مبارزه ایدئولوژیک باید به شیوه پرولتاری برخورد کنند. کمونیستها فراموش نمی کنند که مبارزه ایدئولوژیک شان با دیگر نیروهای کمونیست، شیوه ای لنینی، متین، رفیقانه و وحدت طلبانه است، چه مبارزه آنان با یکدیگر همان پیرویه "وحدت، مبارزه، وحدت" است. آنان مبارزه میکنند که به وحدت دست یابند و نه اینکه با شیوه های تروتسکیستی نقش وحدت را نا دیده بگیرند و صرفا مبارزه را ببینند، کمونیستها

نمی توانند با یکدیگر همان برخوردی را بنمایند که با پرولتونیستها، رویزیونیستها، بورژوازی و کلیه دشمنان طبقه کارگر صورت میدهد. اگر مبارزه ایدئولوژیک ما با نیروهای رویزیونیست آنتاگونیستی است، این امر ناشی از آنست که دوا ایدئولوژی آنتاگونیستی یعنی مارکسیسم لنینیسم و رویزیونیسم در برابر هم قرار گرفته اند. آری پیگیری در مبارزه علیه انحرافات و در همان زمان رعایت متانت پرولتاری در مبارزه ایدئولوژیک از شروط اولیه مبارزه ایدئولوژیک پرولتاری میباشد.

میکنند. اما رزمندگان تمام مواردی را که ما در نوشته خود مورد نقد کمونیستی خود قرار داده ایم، نا دیده میگیرند و از آنها میگذرد. رزمندگان آنگاه که انحرافات را که توسط ما بنقد کشیده شده است، بدست فراموشی می سپارند و به تحریف دست میزنند. تحریف دوزخ است:

الف - دروغپردازی آشکار، وارونه جلوه دادن نظریات دیگران، ذهنی بافی بر اساس تمايلات ذهنی خود.

ب - تکیه بر گوشه ای از واقعیت، بریدن ارتباط مطالب از یکدیگر، سر توته مطلب را زدن و بقبول

کمونیستها در مبارزه ایدئولوژیک باید به شیوه پرولتاری برخورد کنند. کمونیستها فراموش نمی کنند که مبارزه ایدئولوژیک شان با دیگر نیروهای کمونیست، شیوه ای لنینی، متین، رفیقانه و وحدت طلبانه است، چه مبارزه آنان با یکدیگر همان پیرویه "وحدت، مبارزه، وحدت" است. آنان مبارزه می کنند که به وحدت دست یابند و نه اینکه با شیوه های تروتسکیستی نقش وحدت را نا دیده بگیرند و صرفا مبارزه را ببینند.

کافی است ذره ای صداقت انقلابی در کار باشد، ذره ای متانت پرولتاری در کار باشد تا از اینهمه برخورد غیرسوسیالیست، ناهنجار و تحریف آمیز خودداری نمود. آیا هر خواننده صادقی آنچه را که به کار تانکون در تحلیل از سوسیالیست امپریالیسم گفته است (چه در برخورد به فدائیان، چه در برخورد به رزمندگان، چه در ترجمه هایی که در مورد شوروی نمود) است، چه در وقایع و آمارهایی که از شوروی ارائه داده است) - اگر چه بسیار محدود است - همانسی است که در روزنامه های انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و ترجمان می خواند؟!

روشن است که آنچه برای کمونیستها اهمیت حیاتی دارد مضمون مبارزه ایدئولوژیک است. اما اگر شیوه مبارزه ایدئولوژیک انحرافی و تروتسکیستی باشد این انحراف مضمون مبارزه را تحت الشعاع خود قرار میدهد. برخورد شرافت مندانه و صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک هرگز نباید تحت الشعاع منافع محدود و تنگ - نظراته قرار گیرد. برخورد شرافتمندانه و صادقانه در مبارزه ایدئولوژیک یعنی "انکا به نوشته و سند و کشف انحراف". و این سبک مبارزه ای است که ما در برخورد به رفقای رزمندگان رعایت نمودیم. مبارزه ما متکی بر "نوشته و سند" رزمندگان بوده و انحراف رویزیونیستی آنان را بصراحت اثبات

معروف "مح گیری" و "بیل گیری" نمودن، متاسفانه رفقای رزمندگان به این شیوه دست یازیدند و بجای انتقاد از خود کمونیستی، بی پروا و بسا شها مت به پیده بوشی انتقاد دیرداخته و در پی آن نیستند تا عمق انحراف رویزیونیستی را برملا کرده و زمینه طرد آنرا مهیا نمایند و روشن است هرگاه به بررسی ریشه ای انحراف و علل بروز آن پرداخته نشود و هرگاه در طی مبارزه ایدئولوژیک، نوع و مضمون انحراف مشخص نگردد، بیماری از مریضی نجات نخواهد یافت. عدم برخورد کمونیستی و طبقاتی به انحرافات زمینه گندیدگی و بوسیدگی را مهیا می سازد. (ادامه دارد)

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدانیست